

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۰۱

بررسی بسامد و انواع کارکردهای شعر فارسی و عربی در متون تاریخی فارسی قرن هفتم

حسن اسدزاده خانقاه^۱

محمد ابراهیم پور نمین^۲

خسرو جلیلی کهنه شهری^۳

چکیده

متون کهن تاریخی فارسی به‌ویژه از قرن ششم هجری به بعد، از سویی به سبب موضوع خود، و از سوی دیگر به دلیل کاربرد عناصر و شیوه‌های ادبی‌سازی در این متون، در ملحقا و پیوندگاه دو گونه «تاریخ‌نگاری» و «ادبیات» قرار می‌گیرند. در این میان، شعر اعم از فارسی و عربی، با دو نوع کارکرد عمده «خبری» و «آرایه‌ای» حضوری چشمگیر در این متون، و نزدیکی دو گونه مزبور به هم دارد؛ در پژوهش حاضر با استناد به طبقه‌بندی‌های ریزتر و دقیق‌تر از انواع کاربردهای شعر، بسامد این انواع و دلایل آن، در هفت اثر تاریخی قرن هفتم، شامل *تاریخ طبرستان*، *بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان (تاریخ افضل)*، *عقدالعلی للموقف الاعلی*، *تاریخ جهانگشا*، *مختصر سلجوقنامه (تاریخ ابن‌بی‌بی)*، *طبقات ناصری*، و *نظام‌التواریخ* که متعلق به سه گونه تاریخ‌نگاری «عمومی»، «محلی» و «دودمانی» اند به روش توصیفی‌تحلیلی، و اسنادی‌کتابخانه‌ای بررسی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کارکرد شعر در مجموع این آثار، بیشتر جنبه ادبی و آرایه‌ای دارد تا

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا، ایران hasanasadzadehkhngah@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا، ایران ebrahimpurnamin@gmail.com

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا، ایران (نویسنده مسئول)

jalil_khosro@yahoo.com

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا، ایران

کارکرد روایی و خبری. یعنی نویسندگان بیشتر کوشیده‌اند از قدرت تأثیر شعر در تأکید بر مفهوم «عبرت» بهره ببرند تا این که گزارشی منظوم از «خبر و روایت تاریخی» ارائه کنند. تعلق نویسندگان این آثار به طبقه دیوانیان و کوشش هرچه بیشتر آنان در تبدیل آثار خود به اثری هنری و منطبق با معیارهای زیباشناختی عصر را می‌توان از دلایل این امر تلقی کرد. از میان انواع سه‌گانه تاریخ‌نگاری نیز، حجم و بسامد به‌کارگیری شعر، فارغ از انواع کارکردهای آن، در دو نوع «محلی» و «دودمانی» در مقایسه با تواریخ عمومی بسیار چشمگیرتر است. در پایان مقاله نیز جدولی تنظیم و ارائه شده است که خواننده می‌تواند معرفی و نوع تاریخ‌نگاری هر اثر، بسامد موارد استشهاد، تعداد ابیات به‌کاررفته، تفکیک تعداد ابیات فارسی و عربی و نهایتاً انواع کارکردهای شعر را در متون تاریخی مذکور در موجزترین شکل ممکن ملاحظه کند.

واژگان کلیدی: متون تاریخی، تاریخ‌نگاری، مورخ، قرن هفتم، حوادث تاریخی، اشعار فارسی و عربی.

Study of the Frequency and Types of Functions of Persian and Arabic Poetry in Seventh Century Persian Historical Texts

Hassan Asadzadeh Khangah¹
Mohammad Ebrahimpour Namin²
Khosro Jalili Kohnehshari³

Abstract

Ancient Persian historical texts, especially from the sixth century (AH) onwards, due to their subject matter, and also because of the use of elements and methods of literature in these texts, are in a combination of "historiography" and "literature". Among these, poetry, both Persian and Arabic, with two main types of functions, "news" and "array", has a significant presence in these texts, and the closeness of the two types; In the present study, citing finer and more precise classifications of types of poetry applications, the frequency of these types and their reasons in seven historical works of the seventh century (AH), including: *Tarikh-e Tabarestan*, *Badaye al-azman fi vagayea-e Kerman (Tarikh-e Afzal)*, *Egd al-ola*, *Tarikh-e Jahangosha*, *Mokhtasar-e Saljuknam (Tarikh-e Ibn-e Bibi)*, *Tabaghat-e Naseri*, and *Nezam al-tavarikh*, which belong to three types of historiography, "general", "local" and "dynastic", have been studied using a descriptive-analytical method, and examining library documents. The results of the research show that the function of poetry in these works is more literary and array than narrative and news. That is, writers have sought to use the power of poetry to emphasize the concept of "edification" rather than to present a poetic account of "historical news and narrative." One of the reasons for this is that the authors of these works belong to the Divan class and try as hard as they can to turn their works into works of art in accordance with the aesthetic criteria of the time. Among the three types of historiography, the volume and frequency of poetry use, regardless of its functions, is much more significant in both local and lineage types compared to general histories.

-
1. PhD student in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Astara Branch, Iran
hasanasadzadehkhngah@gmail.com
 2. Assistant Professor Islamic Azad University, Astara Branch, Iran (Corresponding Author)
ebrahimpurnamin@gmail.com
 3. Assistant Professor Islamic Azad University, Astara Branch, Iran jalil_khosro@yahoo.com

At the end of the article, a table is prepared and presented that the reader can see the introduction and type of the historiography of each work, the frequency of testimonies, the number of verses used, the separation of Persian and Arabic verses and finally the types of poetic functions in the mentioned historical texts in the most concise form possible.

Keywords: Historical Texts, Seventh Century, Persian Poetry, Arabic Poetry, Historiography.



۱. مقدمه

دلایل متعددی وجود دارد که متون تاریخی فارسی را بخشی مهم از میراث زبان و ادبیات فارسی قرار می‌دهد با این تفاوت که متون متقدم و بسیار کهن تاریخی فارسی از قبیل تاریخ بلعمی بیشتر میراثی زبانی تلقی می‌شوند و عنصر «ادبیت» در آن‌ها بیش از هر چیز برخاسته از خصلت ذاتی کهن بودن زبان در آن‌ها و در نتیجه نوعی جلوه آرکائیک (کهن‌گرایانه) برای خواننده امروزی آن متن‌هاست، اما در متون متأخر به‌ویژه در متون قرن ششم هجری به بعد از قبیل *راحه‌الصدور* و *تاریخ جهانگشا* و... «ادبیت» آثار تاریخی حاصل به‌کارگیری چشمگیر و گاه البته افراطی آرایه‌ها و فنون ادبی است. این ویژگی و نیز سیر تحول تاریخی آن را می‌توان هم در پژوهش‌های ادبی کلاسیکی همچون *سبک‌شناسی بهار*، *فن نثر حسین خطیبی* و *تاریخ ادبیات صفا* و نیز در آثار عده‌ای از تاریخ‌پژوهان از جمله کتاب *تاریخ‌نویسی در ایران، نقد و بررسی منابع برگزیده (از ابوعلی بلعمی تا میرزا آقاخان کرمانی)* به قلم عباس قدیمی قیداری که در بررسی‌های خود توجه خاصی را به این موضوع نشان داده است، مطالعه و ملاحظه کرد (ر.ک قدیمی قیداری، ۱۳۹۶).

به‌کارگیری شعر را در تحقق «ادبیت» متون تاریخی فارسی بی‌گمان می‌توان یکی از بارزترین و شایع‌ترین تکنیک‌های رایج دانست. نگارندگان متن‌های تاریخی متأخر، عموماً هم برای نشان دادن توانایی علمی و ادبی خویش به ممدوحان صاحب‌قدرت و هم بخشیدن جذابیت بیشتر به نثر خود و استفاده از ذوق شعرپسند ایرانی در جای‌جای آثار خود از اشعار بهره برده‌اند. اما این بهره‌گیری در طول تاریخ و حتی در میان کتاب‌های یک عصر و یک سبک، تفاوت‌هایی با هم دارد. اگرچه استشهاد شعری عموماً از خصایص سبکی نثر فنی از قرن ششم به بعد است (نک. بهار، ۱۳۹۱، جلد ۲: ۲۴۸)، موارد و حجم استشهادات شعری اعم از فارسی و عربی در متون تاریخی قرن هفتم افزایش چشمگیری یافته است. در پژوهش حاضر، متون تاریخی فارسی قرن هفتم به‌مثابه جامعه آماری‌ای مناسب و با نمونه‌هایی متنوع شامل هفت اثر تاریخی *تاریخ طبرستان*، *بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان (تاریخ افضل)*، *عقدالعلی للموقف الاعلی*، *تاریخ جهانگشا*، *مختصر سلجوقنامه (تاریخ ابن‌بی‌بی)*، *طبقات ناصری*، و *نظام‌التواریخ* از سه نوع تاریخ‌نگاری «عمومی»، «محلی» و

«دودمانی» از حیث انواع کاربردهای شعر اعم از فارسی و عربی توصیف و تحلیل شده‌اند. در این پژوهش برآنیم تا به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که: ۱. شعر در آثار تاریخی این دوره چه کارکردهایی داشته است؟ و ۲. با توجه به اقسام تاریخ‌نگاری، مورخان قرن هفتم در کدام قسّم از کتاب‌های تاریخی، بیشتر از شعر بهره جسته‌اند و چرا؟

درباره بازتاب شعر در متون تاریخی قرن هفتم پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است. محدود پژوهش‌هایی را در این زمینه می‌توان دید از جمله علوی‌زاده، ساکت و رادمد (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقش ابیات شاهنامه در انسجام متنی تاریخ جهانگشا»، کوشیده‌اند با استناد به موارد استشهادات جوینی به ابیات شاهنامه و تحلیل آن‌ها، وجود نوعی انسجام و هماهنگی میان ابیات و متن منثور تاریخ، و نیز نقش محوری ابیات مذکور را در کیفیت‌بخشی ادبی به تاریخ جهانگشا نشان دهند. مسبوق و دلشاد (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی کارکردهای شعر در تاریخ بیهقی و تاریخ فخری» کوشیده‌اند میزان بهره‌گیری هریک از این تاریخ‌نگاران از شعر را بسنجند و اهداف و کارکردهای آن را در این دو متن تاریخی، تحلیل و تبیین کنند. مسبوق و دلشاد در مقاله مذکور مدلی را برای طبقه‌بندی انواع کارکردهای شعر در این دو متن تاریخی ارائه کرده‌اند شامل چهار کارکرد تاریخی-روایی، ادبی-آرایه‌ای، استنادی-استدلالی و تفسیری-توصیفی که به نظر می‌رسد مدلی مناسب برای طبقه‌بندی کارکردهای شعر در متون تاریخی هر دوره باشد. طبقه‌بندی کارکردها در مقاله حاضر نیز مبتنی بر همین مدل بوده است. آقارضایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ‌نگاری افضل کرمانی در کتاب عقدا لعلی للموقف الاعلی» ضمن معرفی افضل کرمان، اثر مذکور را بررسی کرده است. کشاورز بیضایی هم (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری قاضی بیضاوی» ویژگی‌های معرفت تاریخی قاضی بیضاوی را در نظام‌التواریخ و میزان توفیق وی را بررسی کرده است. البته می‌توان به پژوهش‌هایی از این دست اما در باب متون تاریخی متعلق به ادوار و قرون دیگر هم توجه داشت. از جمله مهم‌ترین این پژوهش‌ها، پژوهشی است از بازورث، محقق نام‌آشنای تاریخ دوره غزنویان. او در مقاله‌ای با عنوان «شواهد شعری در تاریخ مسعودی [تاریخ بیهقی]»، (۱۳۸۴) نشان داده است که بیهقی استشهاد شعری را برای برجسته نمودن و تأکید بر نکات اخلاقی و عبرت‌آموزی از حوادث و موقعیت‌های تاریخی، اعم از حوادث و موقعیت‌های

گذشته که به مناسبت‌هایی از آن‌ها یاد کرده و چه حوادث و مسائل مربوط به زمانه خود او، بهره برده است.

پیش از ورود به بحث و بررسی موضوع اصلی مقاله، باید به دو مقوله الف. تاریخ‌نگاری اسلامی و انواع آن، و ب. طبقه‌بندی انواع کارکردهای شعر در متون تاریخی، به‌مثابه مبانی نظری بحث توجهی جدی کرد.

۱-۱. اقسام تاریخ‌نگاری

در باب تاریخ‌نگاری اسلامی اعم از عربی و فارسی پژوهش‌های کلاسیک و مهمی منتشر شده است از قبیل اثر کلاسیک فرانتس روزنتال با عنوان *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام* (۱۳۶۵)، و آثار متعدد دیگر از جمله *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی* اثر صادق آئیه‌وند (۱۳۷۷)، *تاریخ‌نگاری در اسلام* اثر هادی عالم‌زاده و سیدصادق سجادی، *مسلمانان و نگارش تاریخ* اثر عبدالرحمن خضر (۱۳۸۹)، *تاریخ‌نگاری اسلامی* رابینسون (۱۳۹۲)، و *تاریخ‌نگاری فارسی* اثر جولی اسکات میثمی (۱۳۹۷) و... در این میان پروین ترکمنی‌آذر در طرح «تاریخ‌نگاری در ایران دوره اسلامی تا حمله مغول»، سبک‌های تاریخ‌نگاری را در سه فصل «تاریخ‌نگاری عمومی»، «تاریخ‌نگاری ادواری (دودمانی)» و «تاریخ‌نگاری محلی» بررسی کرده است (ر.ک. به ترکمنی‌آذر، ۱۳۹۲). با توجه به ماهیت جامعه آماری پژوهش حاضر، طبقه‌بندی ترکمنی‌آذر با این پژوهش تناسب تام دارد. یکی از مهم‌ترین انواع تاریخ‌نگاری در ثبت رویدادهای تاریخی ایران، تاریخ‌نگاری عمومی بوده است که بیشتر نویسندگان آثار خود را از خلقت عالم و پدیده‌های آن و داستان حضرت آدم و حوا آغاز می‌کردند و پس از توصیف شرح سرگذشت پیامبران، به تاریخ اساطیری ایران می‌پرداختند. سپس تاریخ اسلام را از زندگانی نبی مکرم اسلام و تاریخ سلسله‌های ایرانی را تا عصر خویش می‌نگاشتند. البته «مؤلفان این‌گونه آثار، جهان‌بینی اسلامی داشتند و در تألیف تاریخ جهان بیشتر به روایت‌های ایرانی و اسلامی توجه می‌کردند و به تاریخ یونان و روم، چین و هند پیش از اسلام کمتر می‌پرداختند» (ناجی، ۱۳۸۹: ۱۱۱). قدیمی‌ترین تاریخ عمومی برجامانده به زبان فارسی، *تاریخ بلعمی* نوشته ابوعلی بلعمی است. نثر و شیوه تاریخ‌نگاری تاریخ بلعمی، سمرشق مؤلفان بعدی شد؛ به گونه‌ای که در قرن هفتم که در این پژوهش به آن پرداخته

می‌شود نیز، منهای سراج در طبقات ناصری و قاضی بیضاوی در نظام‌التواریخ با این شیوه به نوشتن تاریخ پرداخته‌اند.

نوع دوم، تاریخ‌نگاری محلی است. این نوع تاریخ‌نگاری یکی از مناسب‌ترین روش‌های ثبت تاریخ است. دلیل ارزش خاص این دسته از آثار در ارائه گزارش‌های تاریخی دقیق نویسندگان آن‌هاست. کسب افتخار و اعتلابخشی به منطقه خود و ضبط شایسته رخدادها و حوادث هر سرزمینی، احتمالاً مهم‌ترین انگیزه مؤلفان این دست از آثار بوده است. در بیشتر این آثار، گزارش رویدادهای مهمی که به بنیان شهر یا شهرهای منطقه انجامیده، دیده می‌شود. زرین کوب در مورد نگارش تاریخ‌های محلی و اهمیت آن، چنین می‌نویسد: «در این گونه تاریخ‌ها که غالباً اطلاعاتی سودمند نیز در باب ولایات نوشته‌اند، معلومات مفیدی در باب حوادث و وقایع اوایل فتوح اسلام مندرج است و در واقع موجب تألیف این گونه تاریخ‌ها در اوایل ظاهراً تا حدی تدوین اطلاعات در باب کیفیت فتح بلاد بوده است تا در مورد اخذ و جمع مال و خراج، اساس و زمینه موثق و درستی در دست باشد و چون در این باب برحسب آن که شهری به صلح گشوده شده باشد یا به جنگ، حکم خراج تفاوت داشته است. در هر شهری از قدیم واقفان و علاقه‌مندان به تدوین اطلاعات و جمع اخبار می‌پرداخته‌اند و بعدها دیگران بر آن اطلاعات و اخبار مطالب تازه‌ای می‌افزودند و سوانح احوال امراء و سلسله‌های محلی را نیز یادداشت می‌کرده‌اند» (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۵۱).

نوع سوم تاریخ‌نگاری ایرانی، تاریخ‌نگاری دودمانی یا سلسله‌ای است. مورخان، شاید به انگیزه پاداش و صله گرفتن از حاکمان و شاهان، تاریخ سلسله آنان را تألیف می‌کردند. «شیوه تاریخ‌نگاری دودمانی بسیار قدیمی است و ویژگی بارز اسلامی آن توجه خاص به مسائل اخلاقی و اداری است. شاید این توجه نشانه نفوذ تاریخ‌نگاری ایرانیان باشد که تاریخ را بر حسب دوران حکومت شاهان تنظیم می‌کرده‌اند» (روزنتال، ۱۳۶۵: ۱۰۶ و ۱۰۷). تاریخ‌نگاری دودمانی یا سلسله‌ای اغلب به خاندان‌های درباری توجه داشته و وابستگی این نوع مورخان به دربارها در بیشتر مواقع مانع از بی‌طرفی آن‌ها در گزارش وقایع تاریخی شده است.

۱-۲. انواع کارکردهای شعر در متون تاریخی

پیش از این و در پیشینه پژوهش به دسته‌بندی مسبوق و دلشاد از انواع کارکردهای شعر در متون تاریخی به‌ایجاز تمام اشاره شد. یکی از اهداف و کارکردهای شعر در متن تاریخی، کارکرد تاریخی است. منظور از کارکرد تاریخی-روایی آن است که «شعر» گزارشگر متن و خبر تاریخی باشد یا به تعبیری دیگر، کارکرد شعر، ترجمانی منظوم واقعه تاریخی موردنظر باشد. شاید مشهورترین نمونه‌های چنین کارکردی را بتوان فتحنامه‌های شاعران دربار محمود غزنوی در شرح فتوحات او در هندوستان دانست. کارکرد آرایه‌ای - ادبی را اساساً باید مهم‌ترین و خاص‌ترین کارکرد شعر در نثر فنی به‌طور کلی دانست. در واقع استشهاد به شعر در انواع و گونه‌های مختلفش نوعی خصیصه سبکی برای نثر فنی است که این نثر را به‌طور خاص از اوایل قرن ششم، از نثر دوره‌های پیش از خود ممتاز می‌سازد. پیداست که ورود شعر به متن نثر با کارکرد ادبی-آرایه‌ای تلاشی بوده است برای بالاتر بردن عنصر «ادبیت» متن. این تکنیک از چشم نویسندگان متون تاریخی این عصر هم که خود عموماً از منشیان و دبیران برجسته بوده‌اند پنهان نبوده و آنان نیز به‌وفور از آن بهره برده‌اند. نوع سوم کارکرد شعر کارکرد استدلالی-استنادی است. باید توجه داشت که در فرهنگ ایرانی، شعر تنها به‌مثابه بیان هنری عاطفه و امری صرفاً ذوقی تلقی نمی‌شود بلکه شعر فارسی برترین و بارزترین وجه فرهنگ ایرانی در تمامی ابعاد آن است چنان‌که تفکر و فلسفه و عرفان و جهان‌شناسی و ایدئولوژی حاکم بر هر عصر و دوره را خاصه در دوره پیشامدرن، می‌توان در شعر فارسی جست و یافت. فردوسی و خیام و سعدی و مولانا و حافظ مجموعه فهم انسان ایرانی را از جهان عرضه می‌کنند بنابراین استناد و استدلال به اشعار ولو آن‌که به حیث منطقی و فلسفی همچون تمثیل، اعتبار بالایی نداشته باشد (نک. دهقانیان، ۱۳۹۱: ۴۹)، امری پذیرفته و جاافتاده در ذهن و فرهنگ ایرانی است. در تکمیل آنچه در عنوان قبلی و درباره جایگاه شعر به‌مثابه مجموعه‌ای از گزاره‌ها از فهم جهان در اندیشه ایرانی بیان شد باید به کارکرد تفسیری-توصیفی شعر هم اشاره شود. منظور از این کارکرد، استشهاد به شعر/ اشعار به‌منظور توضیح و تبیین واقعه تاریخی و شفاف‌سازی رویدادهای تاریخی برای مخاطب است (برای ملاحظه تفصیل کارکردهای مذکور نک. مسبوق و دلشاد، ۱۳۹۷: ۱۷۵-۱۹۲).

۲. بحث و بررسی

بعد از بررسی انواع تاریخ‌نگاری در ایران، به بحث و بررسی انواع کارکردهای شعر در جامعه آماری پژوهش حاضر، یعنی متون تاریخی فارسی قرن هفتم، پرداخته می‌شود تا مشخص گردد هریک از نویسندگان آثار موردنظر، از نظر آماری دقیقاً به کدام نوع از کارکردها توجه کرده و از میان کارکردهای برشمرده، کدام کارکرد در هر اثر بیشترین بازتاب را داشته است. در ادامه نیز دلایل امر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. طبیعتاً کوشیده‌ایم تصویری روشن‌تر و دقیق‌تر از کارکرد تاریخی-روایی شعر در این متون و کیفیت ارتباط آن‌ها را با حوادث و رویدادهای تاریخی نشان دهیم. گفتنی است بحث در باب هر اثر با اشاره‌ای بس موجز و خلاصه در معرفی اثر مزبور آغاز خواهد شد.

۲-۱. بررسی بسامد شعر در متون تاریخی فارسی قرن هفتم

تاریخ طبرستان، اثر ابن‌اسفندیار یکی از قدیمی‌ترین تواریخ محلی طبرستان است و موضوع آن در مورد تاریخ طبرستان از ایام قدیم و بنیاد عمارت شهرها و خصایص و عجایب آن سرزمین، و ذکر ملوک و اکابر و علما و اهل نجوم و حکما و شعرای محلی است. این اثر با حکایات و اشعار عربی و واژه‌های طبری همراه شده است. «انگیزه ابن‌اسفندیار در گردآوری تاریخ طبرستان، گذشته از زنده‌داشت تاریخ و سرگذشت قسمتی از ایران و آوردن شواهد زنده تاریخی و ادبی درباره شاهان و دانشوران و پزشکان و رجال و به ویژه استشهاد و تمثّل به آثار شاعران مشهور تازی و پارسی که خود مایه جستار ارزنده برای نقادان و صرافان گوهر شعر و ادب ایرانی است، ذکر معالی و مناقب حسام‌الدوله اردشیر بوده است» (تجلیل، ۱۳۴۹: ۱۶۹-۱۷۰). مطالعه دقیق این اثر نشان می‌دهد که ۲۹۳ مورد استشهاد به شعر مشتمل بر ۹۹۵ بیت در این کتاب به چشم می‌خورد که ۷۰ مورد از این اشعار به زبان فارسی، ۲۱۵ مورد به عربی و ۸ مورد به زبان طبری است. در این اثر تاریخی همچون دیگر آثار مکتوب، مورخ ابتدا به حمد و ثنای خداوند پرداخته و اشعاری به زبان عربی و فارسی در لابه‌لای متن با مضمون تحمیدیه به کار برده است. در ادامه نیز با ثبت وقایع تاریخی بنیاد طبرستان، شکل‌گیری دولت و شمشگیر و آل‌بویه و آل‌باوند و مدت استیلای آن‌ها بر طبرستان با آوردن اشعاری از شعرای مختلف و گاهی سروده‌های خود به مفاهیمی همچون

فانی و کم‌ارزش بودن دنیا، اجتناب از مصاحبت با فرومایگان، عزت نفس، دوری از حرص و طمع، بخشش، عدالت‌خواهی و ذکر منقبت امرا و حکما و شخصیت‌های این کتاب به‌خصوص حسام‌الدوله اردشیر پرداخته است. در واقع ابن‌اسفندیار در هیچ‌یک از موارد، شعر را به‌مثابه گزارشی منظوم از واقعه تاریخی به کار نبرده است.

بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان یا تاریخ افضل، نوشته افضل‌الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی که در زمره تاریخ‌های محلی قرار می‌گیرد، در پایان سده ششم هجری و آغاز قرن هفتم تألیف شده و تقریباً در سال ۶۰۶ هجری پایان یافته است و اطلاعات گسترده‌ای درباره جغرافیای کرمان و بخش‌های گوناگون آن و روایت مختصری از تاریخ کرمان از دوران پیش از اسلام و فتح شدن آن به دست مسلمانان و روزگار تسلط آل‌صفار و آل‌الیاس و غزنویان و دیالمه آل‌بویه و سلجوقیان قاوردی دربردارد. اشعار فارسی و عربی بازتاب قابل‌توجهی در *تاریخ افضل* دارد به گونه‌ای که ۸۲ مورد استشهاد به شعر مشتمل بر ۱۷۳ بیت (۷۲ مورد به فارسی و ۱۰ مورد به عربی) در این کتاب به چشم می‌خورد. این اشعار برای بیان مضامینی مانند ناپایداری دنیا، عفو و بخشش، سخاوت، مدحیه و مرثیه فرمانروایان و پادشاهان به کار رفته است. در این راستا مورخ قصیده‌ای از حکیم ازرقی در مدح سلطان‌شاه و قصیده دیگری در مدح پیامبر اکرم را نیز در متن تاریخی خود استفاده کرده است. خبر و روایت تاریخی منظوم چندانی در این اثر دیده نمی‌شود و آنچه از این دست در قصاید اعم از مرثیه و مدایح می‌توان دید نوعی شخصیت‌پردازی اغراق‌آمیز در باب ممدوحان نویسنده است که گرچه نمی‌توان آن‌ها را مطلقاً خالی از بعضی فواید تاریخی تلقی کرد اما به‌هرحال به سبب همان شخصیت‌پردازی اغراق‌آمیز و شاعرانه، به‌تنهایی نمی‌توانند محل وثوق و حائز اعتبار و ارزش تاریخی چندانی باشند.

عقد‌العلی للموقف الاعلی، اثر افضل‌الدین کرمانی است که در سال ۵۸۴ ه.ق درباره تاریخ ملک دینار و سلوک ملوک و حکومت نوشته شده و مؤلف آن را به ملک دینار هدیه کرده است. این کتاب به سبکی ادبی و حکمی در پنج فصل نوشته شده است: قسم اول درباره اواخر دولت سلجوقیان و روزگار فترت کرمان، قسم دوم درباره غلبه غزان و تسلط ملک دینار بر کرمان، قسم سوم در مورد عدالت‌خواهی و شرح اخلاق ملوک و ذکر ملوک

کرمان و ویژگی‌های جغرافیایی و وقایع تاریخی آنجا، قسم چهارم در ستایش قوام‌الدین وزیر و قسم پنجم در شرح حال خود مؤلف. با این اوصاف می‌توان گفت که این کتاب علاوه بر ویژگی‌های تاریخ‌نگاری محلی، مختصات تاریخ‌نگاری دودمانی را نیز شامل می‌شود. «کتاب عقدا لعلی اگرچه مفردات و ترکیبات عربی فراوان دارد اما همه کلمات و عبارات عربی به جای خود نشسته و در نهایت زیبایی اشعار و عبارات عربی در لابلای متن فارسی جای گرفته و کوچک‌ترین لطمه‌ای به معنای نثر وارد نمی‌سازد و این خود نشانه وسعت اطلاع در ادب و علوم متداول عهدش، حتی علوم عقلیه می‌باشد که توانسته به زیبایی کتاب خود را به انواع صنایع لفظی و لغات و ترکیبات و اشعار و امثال فراوان عربی بیاراید» (صفا، ۱۳۶۶: جلد ۲، ۱۰۲۴). در کل این کتاب ۱۷۵ مورد استشهاد به شعر، مشتمل بر ۵۲۸ بیت می‌توان دید که ۸۶ مورد آن فارسی و ۸۹ مورد آن عربی است. مضامین اشعار مورد استشهاد در این اثر، بیشتر پندها و حکمت‌هایی است در مورد سلوک ملوک، سیاست مُدُن و دولت‌داری و حکومت، اخلاق نیکو، بخشندگی، شهامت، عدالت‌خواهی، عبرت برای خردمندان و شکرگزاری برای پایان دوران محنت و فرا رسیدن موسم راحت، اشاره به رأفت و مهربانی و عدالت‌گستری امرا به همراه مدح آن‌ها به خصوص مدح قوام‌الدوله و الدین. در واقع در این اثر نیز اشعار بیش از آن که روایتگر واقعه تاریخی باشند بیانگر تلقی و استنباط و تفسیر نویسنده از شخصیت‌ها و وقایع تاریخی است که آن را با برگزیدن و نقل اشعار، با خواننده اثر خود در میان می‌گذارد.

تاریخ جهانگشا نوشته عظاملک جوینی مهم‌ترین اثر تاریخی دودمانی، درباره مغولان و خوارزمشاهیان و اسماعیلیان الموت (تا ۶۵۵ه.ق.) است که به نثری فنی و منشیانه نگارش یافته است. جوینی در این اثر شرح وقایع و فجایع سه رویداد شگرف تاریخ ایران در سده‌های ششم و هفتم هجری، یعنی ایلغار مغول و فراز و فرود سلطنت خوارزمشاهیان و داستان اسماعیلیان ایران را روایت کرده است. «بهره‌گیری از صنایع بدیعی و فنون بلاغی و اشعار فراوان فارسی و عربی و آیات و احادیث و امثال، آن هم به گونه‌ای هنری و در جهت مخیل کردن زبان و شاعرانه ساختن نثر، در موارد زیادی صبغه تاریخی این اثر را کم‌رنگ کرده و سبب دخالت اغراض شعری در آن شده است. استفاده از اشعار بزرگان ادب فارسی همچون نظامی، سنایی، خیام و فردوسی، قوام ادبی تاریخ جهانگشا را دوچندان کرده است»

(علوی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۷). در مجموع ۶۱۷ مورد استشهاد مشتمل بر ۸۴۷ بیت (۲۵۲ مورد فارسی و ۳۶۵ مورد عربی) در این کتاب می‌توان دید. جوینی این اشعار را گاه به مناسبت ذکر نام و احوال شاعران آن روزگار مانند رشیدالدین وطواط، سدیدالدین اعور، بهاءالدین مرغینانی و امام ضیاءالدین فارسی به‌مثابه شاعری بر زیبایی اشعار آنان و گاه به خاطر علاقه‌مندی‌اش به اشعار شعرای بزرگ مانند فردوسی، سنایی، خیام، نظامی، عطار، منوچهری و... برای آراستن و زیبایی متن تاریخی خود به کار برده است؛ همچنین اشعاری بدون ذکر نام شاعر آن‌ها نیز در این اثر تاریخی به چشم می‌خورد که به نظر می‌رسد سروده خود جوینی باشد. این اشعار عموماً برای بیان آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی، معانی غنایی و حماسی (مخصوصاً جایی که از اشعار شاهنامه فردوسی بهره برده است)، بیان تأثرات روحی و احساسی مورخ، پند و حکمت، عبرت‌آموزی، و مدح و ستایش شخصیت‌های تاریخی استفاده شده است. در این اثر نیز، شعر روایتگر خبر تاریخی نیست بلکه یا مؤید آن است یا نویسنده به مدد شعر به توصیف شخصیت‌ها و روایت خود از وقایع منقول، زیبایی و برجستگی هنری بخشیده است.

مختصر سلجوقنامه یا تاریخ ابن‌بی‌بی، تألیف یحیی‌بن محمد ابن‌بی‌بی، نوعی تاریخ دودمانی و مفصل‌ترین تاریخ سلجوقیان روم است و وقایع سال‌های ۵۸۸ تا ۶۷۹ ه.ق. را در بر دارد. مؤلف چون از درباریان سلجوقیان و رئیس دبیرخانه سلطنتی بوده، بیشتر مطالب را از دیده‌های خود یا آنچه از شاهدان وقایع شنیده، تقریر و تحریر کرده است و به همین جهت کتاب او دارای ارزش و اعتبار قابل‌توجهی است. تاریخ ابن‌بی‌بی علاوه بر تحریرش به نثر مسجع، مملو از اشعار فارسی و عربی است که بسیاری از آن‌ها سروده خود مؤلف است. ابن‌بی‌بی علاوه بر شرح حال پادشاهان سلجوقی روم و جهان‌گشایی‌های آن‌ها، اشعاری سست از خود به مقتضای مقام، در بحر متقارب آورده است که ظاهراً از شاهنامه‌ای که خود او درباره پادشاهان سلجوقی روم سروده است، گرفته شده باشد (ر.ک به پیشگفتار/خبر سلاجقه روم به کوشش محمدجواد مشکور). در مجموع ۳۶ مورد استشهاد به شعر مشتمل بر ۱۱۲ بیت در مختصر سلجوقنامه مشاهده می‌شود که همه آن‌ها فارسی است و بیشتر آن‌ها برای ستایش شخصیت‌های تاریخی این متن تاریخی به کار رفته است. بدین ترتیب می‌توان گفت که شعر در این اثر عموماً در مقام «وصف» شخصیت‌های تاریخی به کار گرفته شده و نه در نقل واقعه و خبر تاریخی صرف.

طبقات ناصری تألیف قاضی ابوعمر و عثمان بن محمد المنهاج سراج جوزجانی به سال ۵۶۵۸.ق. یکی از تواریخ عمومی معتبر و مشهور قرن هفتم است. مؤلف علاوه بر بهره‌گیری از کتب تاریخی دیگر، در وقایع معاصر با حیات خویش، مشاهدات و تجربیات خود را اساس تألیف کتاب قرار داده است. این اثر طبق سنت رایج در نگارش تاریخ‌های عمومی اسلامی از زمان حضرت آدم ابوالبشر تا عصر خود مؤلف را شامل است. این کتاب در ۲۳ طبقه تدوین شده است که طبقه دوازدهم به شرح تاریخ سلجوقیه اختصاص دارد. اشعار فارسی این کتاب، بیشتر به صورت رباعی و در همه‌جای کتاب پراکنده شده است؛ مخصوصاً در جلد دوم که اغلب اشعار از خود قاضی منهاج است. همچنین در جلد اول شعری به زبان عربی دیده نمی‌شود اما در جلد دوم، اشعاری به عربی سروده خود منهاج سراج و نیز دیگران به استشهدا گرفته شده است. در مجموع ۴۴ مورد استشهدا شعری مشتمل بر ۱۹۹ بیت (۵ مورد عربی و ۳۹ مورد شعر فارسی) در این کتاب دیده می‌شود. مضامین اشعار این اثر تاریخی بیشتر مدح و ستایش حاکمان و فرمانرویان، گاهی روایت حوادث تاریخی و گاهی استناد و توضیح بیشتر متن را شامل می‌شود.

نظام‌التواریخ، نوشته عبدالله بن عمر بیضاوی است که در قرن هفتم هجری (۶۸۳ هـ.ق) به نگارش درآمده است. پس از ترجمه تاریخ طبری، چند اثر دیگر در تاریخ عمومی به زبان فارسی نوشته شده است. این اثر نیز، تاریخی عمومی و نمونه‌برداری شده از طبقات ناصری است که در آن پس از تاریخ پیامبران و خلفا، به امویان، عباسیان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، دیلمیان، سلجوقیان، سلغریان و خوارزمشاهیان پرداخته شده است. هدف نویسنده از تألیف این اثر موجز و مختصر، گردآوری خلاصه‌ای از تاریخ جهان از آفرینش آدم تا روزگار مؤلف، به زبانی ساده برای استفاده عموم بوده است، بی آن که قصد تفحص یا ادعای تحقیق داشته باشد. اشعار فارسی و عربی بازتاب چندانی در نظام‌التواریخ ندارد و تنها ۱ مورد شعر سه‌بیتی که آن هم عربی است و کارکرد ادبی-آرایه‌ای دارد، در این کتاب به چشم می‌خورد.

نتایج به‌دست‌آمده از بسامد استشهداهای شعری در هفت اثر فوق را می‌توان این‌گونه خلاصه و جمع‌بندی کرد که بازتاب شعر در میان انواع سه‌گانه تاریخ‌نگاری، بیش از همه در

تواریخ دودمانی و سلسله‌ای است؛ یعنی در آثاری چون *تاریخ جهانگشا* که شعر در آن گاه به دلیل ذکر احوال شاعران آن روزگار و گاه به خاطر علاقه‌مندی مؤلف به اشعار شعرای مشهور فارسی‌زبان مانند فردوسی، سنایی، خیام، نظامی، عطار، منوچهری و... برای آراستن و زیبایی متن تاریخی به کار رفته است. همچنین در *تاریخ طبرستان* نیز به‌عنوان تاریخی محلی، مؤلف به دلیل نقل اشعار از زبان شاعران و ادیبان در جهت مستند ساختن کلام خود از شعر بیشتر بهره جسته است. گاهی نیز علاوه بر آنچه گفته شد، بسامد شعر تابعی از میزان دانشوری یا به تعبیری دیگر، «اهل علم و ادب بودن» نویسندگان است. مثلاً افضل‌الدین کرمانی که در علوم ادبی و علوم عقلی، تاریخ، جغرافیا، زبان و شعر عربی مهارت داشت و مطالعه و ممارست در شعر فارسی و عربی از مشغولیت‌های اصلی وی بوده است، در کتاب *عقد‌العلی للموقف‌الاعلی* به‌عنوان نمونه‌ای از تواریخ محلی و دودمانی و در کتاب *تاریخ افضل* به‌عنوان نمونه‌ای از تواریخ عمومی، از شعر بسیار بهره برده و توانسته اشعار فارسی و عربی را در بافتار متن‌های تاریخی خود به‌مثابه عنصری زیبایی‌آفرین و در نتیجه تأثیرگذار بر خواننده اثر خویش به کار گیرد. در مقابل، نویسندگان تواریخ عمومی این دوره یعنی *طبقات ناصری* و *نظام‌التواریخ* به جهت حجم بالا و گستره زمانی وسیع آثار خود که معمولاً از حضرت آدم تا پیامبر اکرم (ص) و بعد از آن به تاریخ سلاطین تا عصر خویش پرداخته‌اند در عمل مجال و امکان کمتری برای توجه و به‌کارگیری شعر و استشهادات ادبی صرف داشته‌اند. در کل می‌توان نتیجه گرفت آن‌جا که متن تاریخی به مدح و ستایش شاهان و درباریان و شرح احوال شاعران و ادیبان می‌پردازد، از شعر بیشتر بهره‌مند شده است.

۲-۲. بررسی کارکردهای شعر در متون تاریخی فارسی قرن هفتم

تاریخ‌نگاری ایرانی به‌عنوان بخشی از میراث نثر فارسی، همگام با تحول از صورت‌های ساده‌تر نثر به صورت‌های فنی‌تر و مصنوع‌تر، رفته‌رفته از «استشهادات شعری» سرشارتر شده است. اما این استخدام شعر در بافتار نثرهای تاریخی، بیش از آن‌که عهده‌دار تقریر روایتی از واقعه تاریخی باشد عمدتاً معطوف است به طرز بیان و نقل واقعه و نیز بیان «عبرت»‌های حاصل از واقعه تاریخی، به‌مثابه یکی از مهم‌ترین عناصر و موجبات و فواید تاریخ‌نگاری در تلقی عمومی مورخان مسلمان. در بخش قبلی، به‌صورت موردی هریک از

آثار از جهت شکل و بسامد استشهادات شعری بررسی شد و اینک در ادامه جهت یافتن پاسخ پرسش دوم پژوهش، انواع کارکردهای شعر در متون تاریخی فارسی قرن هفتم تحلیل و بررسی می‌شود. نویسندگان می‌کوشند انواع اهداف و کارکردهای استشهادات شعری را در متون تاریخی فارسی قرن هفتم، در چهار کارکرد تاریخی-روایی، ادبی-آرایه‌ای، استنادی-استدلالی و تفسیری-توصیفی که پیشتر شرح و تفصیل آن در مقدمه گذشت، دسته‌بندی کنند و دلایل بسامد به‌کارگیری هر یک از این کارکردها را تحلیل نمایند.

۲-۱. کارکرد تاریخی-روایی

هر شاعری متناسب با زمانه‌ای که در آن زیسته، وصفی از واقعه‌ای/وقایعی خاص یا توصیفی از شخصیتی/شخصیت‌های ممتاز (طبیعتاً به زعم شاعر) در قالب شعر به دست داده است. اما تاریخ‌نگاران در روایت‌های تاریخی خود، این اشعار را به‌مثابه میراثی مشترک و عمومی تلقی کرده‌اند و به تناسب توصیف شخصیت‌های موردنظر خویش و تقریر وقایع و روایت‌های خود، این اشعار را در بافتار کلی روایت‌هایشان گنجانده‌اند. همچنین عده‌ای از مورخان چنان‌که پیشتر هم به مواردی اشاره شد، خود اهل سرودن شعر بوده‌اند و به مقتضای حال از اشعار خود در متن تاریخ‌های تألیفی خویش درج کرده‌اند. در ادامه، و به تفکیک، کارکردهای چهارگانه مذکور در متون تاریخی قرن هفتم توصیف و تحلیل خواهد شد. اولین کارکرد، کارکرد تاریخی-روایی اشعار در این متون است. در این کارکرد، شعر عموماً روایتی موجزتر، از خبر و واقعه تاریخی موردنظر مورخ را بیان می‌کند.

در مجموع هفت اثر تاریخی که جامعه آماری پژوهش حاضرند، ۱۸ مورد از اشعار موجود در *تاریخ طبرستان*، ۲ مورد از *اشعار تاریخ/افضل*، ۷ مورد از اشعار استفاده‌شده در *عقد‌العلی*، ۹۷ مورد از اشعار مورد استفاده در *تاریخ جهانگشا*، ۵ مورد از اشعار مندرج در *مختصر سلجوقنامه*، و ۱۰ مورد از اشعار مندرج در *طبقات ناصری* کارکرد تاریخی-روایی دارند و حوادث تاریخی را در ارتباط با توصیف شخصیت‌های تاریخی، شجاعت فرماندهان، فتوحات سلاطین، ترویج دین اسلام و عملکرد آنان در قبال مردم از جمله ظلم و ستم یا نیکی در حق رعیت با استناد به اشعار شعرا یا سروده خود بیان نموده‌اند و در بیشتر آثار، این کارکرد بسامد بسیار کمتری دارد و اغلب در رتبه آخر بازتاب قرار دارد. از نمونه‌های این کارکرد و

ارتباط آن با حوادث تاریخی می‌توان به نمونه‌هایی اشاره کرد:

مؤلف تاریخ طبرستان سرانجام کار یزدگرد و شروع حکومت و شاهنشاهی باو در طبرستان را با استناد به شعری از شاهنامه فردوسی روایت کرده است. باو که پس از استیلای لشکر اعراب بر یزدگرد ملازم و همراه وی بود، از او اجازه خواست تا به جهت زیارت آتشکده‌ای که جدش بنا نهاده بود به طبرستان برود و در گرگان به یزدگرد بپیوندد. یزدگرد اجازه داد و چون مدت اقامت او طولانی شد و خبر واقعه یزدگرد و غدر ماهوی سوری به او رسید، سر خود تراشید و در آتشکده ماند. بعد از ویرانی‌های بسیار در خراسان و طبرستان توسط ترکان و اعراب، با اصرار مردم که از این شرایط به ستوه آمده بودند پادشاهی بر طبرستان را پذیرفت.

«فردوسی را معجز است در نظم سخن شاهنامه:

به پرگار تنگ و میان دو گوی	چه گویم که جز خامشی نیست روی
نه روز بزرگی نه روز نیاز	نماند همی بر کس این بر دراز
زمانه زمانیسست چون بنگری	بدین مایه با او مکن داوری
تو از آفریدون فزونتر نه‌ای	چو پرویز با تخت و افسر نه‌ای
به ژرفی نگه کن که با یزدگرد	چه کرد این برافراخته هفت گرد»

(ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۵۴)

نگارنده تاریخ افضل نیز در ذکر رفتن اتابک محمد به خدمت ملک بهرامشاه به دارالملک بم و آوردن او به دارالملک بردسیر (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۵۶) و ذکر کدورت اتابک محمد و چغرانه و کشتن اتابک چغرانه و آیه و قلچق غلامان مؤیدی را در جیرفت و شهادت صواحب عظام کرمان بر دست ترکان در بردسیر (همان: ۸۶) با بهره‌گیری از شعر به ثبت وقایع تاریخی پرداخته است.

جوینی در تاریخ جهانگشا فتح عراق و اصفهان توسط سلطان خوارزمشاه را نقل کرده و در ادامه بخشی از این تاریخ را با شعری از خاقانی روایت کرده است: «... و بعد از روزی چند مصاف دادند لشکر بغداد جز استیمان پناهی ندیدند سلطان بر عادت مستمر جان ایشان

ببخشید و باعزاز و اکرام تمامت ایشان را بازگردانید و پیش از مصاف به چند روز وزیر که بر سرلشکر بود گذشته بود اما حالت او را چنان مخفی داشتند که تا به وقتی که منهزم شدند بر حالت او واقف نگشتند سر آن مرده ببردند و بخوارزم فرستادند و این حرکت نه لایق مروّت بودست و نه درخور سلطنت، و آوازۀ غلبۀ سلطان در عراقین شایع گشت و بدین آوازه کار سلطان عالی‌تر شد و از اذربایجان اتابک اوزبک از برادر خود گریخته بود نزدیک سلطان آمد مورد او را عزیز داشت و همدان بدو ارزانی، و سلطان از آنجا باصفهان حرکت فرمود و یک‌چندی توقّف نمود و این قطعه خاقانی راست:

مژده که خوارزمشاه ملک سپاهان گرفت
 ملک عراقین را همچو خراسان گرفت
 ماهچۀ چتر او قلعه گردون گشود
 مورچۀ تیغ او ملک سلیمان گرفت»

(جوینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۸)

ابن‌بی‌بی در مختصر سلجوقنامه، محاصره شدن عزالدین کیکاوس توسط علاءالدین کیقباد در قیصریه را به همراه شعری از زبان کیقباد روایت کرده است. «چون ملک علاءالدین کیقباد خبر وفات پدر شنید مغیث‌الدین طغرل‌شاه ملک ارزن‌الروم را که عم او بود و میان ایشان پیوندی رفته دعوت فرمود و به لیفون تکفور قصاد فرستاد و قیصریه را بدو نامزد کرد و ظهیرالدین ایلی پروانه را به مواعید جمیل در سلک هواداران خود کشید و از هر طرف لشکری انبوه بر خود جمع کرد و روی به قیصریه نهاد و به محاصرت برادر درایستاد. مدتی مدید در آن محاصرت بگذشت و امراء نامدار از جانبین تلف گشتند و عجز و اضطراب به اهل حصار راه یافت و ملالت بر مزاج لطیف سلطان غالب شد و به حکم آنک میان سلطان و ظهیرالدین مواعدها رفته بود و عنایت بی‌نهایت در حق او فرموده و حال را بر خلاف آمال مشاهده می‌کرد و به جای وفاء، جفا می‌دید این دویستی از املاء طبع موزون بر ورق شکایت نگاشت و بیرون نزد پروانه فرستاد.

شمع که کنون در سر دل رفت تنم بی‌گریه شبی نگشت خندان دهنم
 پروانه که گفت یار غار تو منم او نیز رضا داد به گردن زدنم

(ابن‌بی‌بی، ۱۹۰۲: ۴۰)

منه‌اج سراج نیز بعد از ذکر ملوک یمن و امراء صفارین، در طبقه نهم طبقات ناصری به ذکر آل سامان و ملوک آن خاندان و در ابتدا به معرفی احمد بن اسد پرداخته است: «شهم‌تر و زیرک‌تر بود. بعد از برادر ولایت سمرقند و فرغانه باجمعها کاشغر و ترکستان و چین او داشت، و (به) جلادت و مبارزت و کاردانی در اطراف ممالک ایران و توران مذکور و مشهور بود، و فرزند او بعد از یک دیگر به تخت نشستند و با خلق خدای بذل و احسان کردند، و اسماء فرزندان او که به ملک رسیدند، یکی از افاضل به نظم آورده است:

گشته به امارت خراسان مذکور نه تن بودند از آل سامان مشهور
اسماعیلی و احمدی و نصری دو نوح و دو عبدالملک و دو منصور»

(منه‌اج سراج، ۱۳۶۳، جلد ۱: ۲۰۴)

وی در ادامه با آوردن دو بیت شعر از یکی از شاعران آن دوره، اسامی نه تن از امرای خراسان را نقل کرده است که به ترتیب امارات آن‌ها در دروه سامانیان اشاره دارد.

البته ناگفته نماند که گاهی اشعار شاعران گذشته یا معاصر مؤلف از منابع مهم مورخان در نگارش و روایت حوادث تاریخی بوده است. تقریباً در همه انواع شعر به خصوص قصیده، می‌توان مطالبی مربوط به تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران یافت. نویسنده طبقات ناصری در معرفی سلطان محمود غزنوی و روایت فتح هندوستان توسط او که به ترویج اسلام مبادرت می‌ورزید، دو بیت از قصیده مطول عنصری را که به شرح این وقایع پرداخته است در ادامه نوشته خود ذکر کرده است: «و طالع او با طالع (صاحب) ملت اسلام موافق بود. در سنه سبع و ثمانین و ثلثمائه به بلخ بر تخت پادشاهی بنشست و تشریف دارالخلافت پوشیده، و درین عهد مسند خلافت به امیرالمؤمنین القادر بالله مزین بود. چون به پادشاهی نشست، اثر او در اسلام بر جهانیان ظاهر است، که چندین هزار بتخانه را مسجد کرد، و شهرهای هندوستان را بگشاد، و رایان هند را مقهور گردانید، و جیبال را که بزرگ‌ترین رایان هند بود بگرفت، و در من یزید، به خراسان بداشت و بفرمود: تا هشتاد درم او را بخریدند. و لشکر به جانب نهر واله و گجرات برد، و منات را از سومنات بیاورد، و چهار قسمت کرد: یک قسم بر در مسجد جامع غزنین نهاد، و دیگر قسم بر در کوشک سلطنت، و

یک قسم به مکه فرستاد، و یک قسم به مدینه. و عنصری درین فتح قصیده مطول گفته است، این دو بیت آورده شد: نظم

تا شاه خسروان سفر سومنات کرد آثار غزو را علم معجزات کرد
شطرنج ملک باخت ملک با هزار شاه هر شاه را به لعب دگرشاه مات کرد»

(همان: ۲۲۸)

از دیگر نمونه‌های بارز حوادث تاریخی که در طبقات ناصری، مورخ با استفاده از قالب شعر به روایت تاریخ پرداخته است به این موارد نیز می‌توان اشاره کرد: ماجرای تقابل هندوخان پسر ملک‌خان بن سلطان تکش و عمویش سلطان محمدبن تکش که نویسنده گفتگوی میان این دو را به صورت شعر بیان کرده است (همان: ۳۰۴ و ۳۰۵)، حدیث فتح قلعه تولک توسط قطب‌الدین (همان: ۱۳۳ و ۱۳۴: ۲)، داستان اسیر شدن سلطان علاءالدین در لشکرکشی سلطان سنجر به خراسان (همان: ۳۴۷)، ماجرای سقوط سلطنت آل محمود سبکتکین در قبال ضبط شهر تکی‌ناباد (همان: ۳۹۶).

۲-۲-۲. کارکرد آرایه‌ای - ادبی

بیشتر مورخان به منظور توصیف یا مدح یا رثای شخصیت‌های اثر خویش و ادبی کردن کلام خود، از شعر به عنوان یکی از سازه‌های گفتمان ادبی در کنار گفتمان تاریخی بهره برده و متنی متفاوت با تأثیری دوجندان پدید آورده‌اند. ۷۰ مورد از اشعار تاریخ طبرستان، ۲۲ مورد از اشعار مندرج در تاریخ افضل، ۳۸ مورد از شعرهای عقداعلی، ۲۲۰ مورد از اشعار تاریخ جهانگشا، ۱۶ مورد از اشعار مختصر سلجوقنامه، ۳۱ مورد از اشعار طبقات ناصری و تنها شعر موجود در نظام‌التواریخ جنبه آرایه‌ای - ادبی دارد و در این میان در تاریخ جهانگشا، مختصر سلجوقنامه و طبقات ناصری این کارکرد بیشترین بسامد را داراست و در سایر متون تاریخی قرن هفتم در رتبه دوم بازتاب قرار دارد. از نمونه‌های این کارکرد می‌توان اشاره کرد به:

ابن اسفندیار در تاریخ طبرستان به نقل از نورالدین صباغ در مدح سلطان تکش و به حکومت رسیدن وی یک بیت شعر را در لابه‌لای روایت تاریخی خود ذکر کرده است: «وقتی نورالدین صباغ گفتند، با فضل وافر، دانشمند و فارس منابر، برسالت از حضرت

سلطان شهید خدایگان عالم سلطان صاحبقران تکش بن ایل ارسلان پیش او آمد به مقام دولت آباد ساری و درخواست تا به بارگاه منبر نهاد و وعظ گفت و در مدح او داد سخن داد و ختم انشاء بدین بیت کرد:

دیدم همه شاه، هست باللّه جز بر تو حرام نام شاهی

و حقیقت چنان بود، که ازو بآیین تر پادشاهی در قرن ها نخاست، ...»

(ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۱۹)

نمونه‌ای دیگر از تاریخ/افضل: «یکی از افاضل کرمان در مرثیه ملک ارسلان قصیده‌ای نظم کرده چند بیت از آن ثبت افتاد، نظم:

سرو چمن بدان قدوبالا گریسته	ای ماه و خور بر آن رخ زیبا گریسته
بر قتل تو که کشته و غوغا گریسته	ای از صف ملایکه غوغا برآمده
بر ملک تو، خسرو والیا گریسته	ای دیده ولایت، بی تو شده ز دست
دین هست بی تو، بر سر دنیا گریسته	ای پشت دین و پهلوی دنیا، به تو قوی
ملکت ندیده بر شرف آنجا گریسته»	دستش بریده باد، که آن تیر بر تو زد

(افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۷۷)

۲-۲-۳. کارکرد استنادی-استدلالی

یکی از کارکردهای شعر در متن تاریخی، کارکرد استنادی است که در آن، تاریخ‌نگار ایده‌ای سیاسی، اجتماعی و عقلی و نظایر آن را با تکیه بر بیت یا ابیاتی از شعر تأیید می‌کند و بیشتر برای موضوعات عاطفی و ادبی و حکمی به کار می‌رود. ۱۸۹ مورد از اشعار تاریخ طبرستان، ۴۵ مورد از اشعار تاریخ/افضل، ۹۵ مورد از اشعار عقدالعلی، ۱۶۱ مورد از اشعار تاریخ جهانگشا، ۸ مورد از اشعار مختصر سلجوقنامه، ۲ مورد از اشعار طبقات ناصری کارکرد استنادی-استدلالی دارد. این کارکرد در تاریخ طبرستان، تاریخ افضل و عقدالعلی للموقف/الاعلی بیشترین بازتاب را دارد و در تاریخ جهانگشا و مختصر سلجوقنامه در رتبه

دوم و در طبقات ناصری در رتبه سوم انواع کارکردهای شعر قرار دارد. از نمونه‌های آن می‌توان اشاره کرد به:

«روزی که بر سپهر لاجورداندود، خسرو خاوری رخ فرخ بنمود سلطان به حکم سیران با امرای درگاه و سروران در صحاری و ریاض قونیه ارتیاض می‌فرمود ناگاه سوی شهر نگاه کرد؛ شهری دید به مردم و خواسته آراسته، یک وزه راه در طول و عرض اشجار زرقدار و میوه‌دار نشانده

گرو برده آبش ز جوی فرات	گذر کرده بادش بر آب حیات
ز هر کشوری مردمان تاخته	در آن شهر خرم وطن ساخته
نه شهری که آن عالمی بد تمام	یکی ژرف دریا بد و شهر نام»

(ابن‌بی‌بی، ۱۹۰۲: ۱۰۴)

«چون رسول پیش اتابک شد هزارسف را جواب باز دادند که هم ملازمت درگاه او بایی‌د کرد و رضای او جست، از آنجا بازگردید و به ری آمد و سراج‌الدین قلیار گفتند والی بود به ری. دختر او را بخواست، تا قایماز ابوبکر دراز‌گوش گفتند امیری را بکجو فرستاد که ولایت از آن سلطانت و او به حمایت سلطان آمد، شاه را از هزارسف اکراه زیادت شد، پادشاه هزبرالدین خورشید را مدد فرستاد، ابوبکر دراز‌گوش را تا به در دروازه ری به دنبال برداشته بدوانید، و شاعری در این فتح می‌گوید:

ملک مازندران را چون توان کرد	به بوبکری و ترکی چند عاجز
که کون هریک از صد من بریشم	رفو نکنند صد مرد مطرز

دیگری در حق هزارسف می‌گوید:

بزیر ران چو هزارسب را یک اسب نماند	دراز‌گوش طلب کرد و زو حمایت خواست
------------------------------------	-----------------------------------

دیگری گوید:

شاهان به هوس مرکب تازی جویند خر را ز پی مزاج و بازی جویند
 شاید که هزارسف پس از عمر دراز قوّت ز درازگوش رازی جویند»
 (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۴۶)

۲-۲-۴. کارکرد تفسیری-توصیفی

تاریخ‌نگاران و نویسندگان رخدادهای تاریخی در مطاوی کلام خود برای تأکید مضمون تاریخی و بیان وضوح محتوا و مفهوم کلام خود حوادث را به صورت تفسیری و توضیحی با اشعار تلفیق نموده‌اند. ۸ مورد از اشعار تاریخ طبرستان، ۱۳ مورد از اشعار تاریخ افضل، ۳۵ مورد از اشعار عقدالعلی، ۱۳۹ مورد از اشعار تاریخ جهانگشا، ۷ مورد از اشعار مختصر سلجوقنامه و ۱ مورد از اشعار طبقات ناصری دارای کارکرد تفسیری-توضیحی است. این کارکرد در تاریخ افضل، عقدالعلی، تاریخ جهانگشا و مختصر سلجوقنامه در رتبه سوم و در تاریخ طبرستان و طبقات ناصری در رتبه چهارم انواع کارکردهای شعر قرار گرفته است و نشان می‌دهد که جزو کارکردهای کم‌بسامد محسوب می‌شود. از نمونه‌های آن می‌توان اشاره کرد به:

«چون سلطان بر پشت صافنات جیاد سلیمان وار آن مراحل طی فرمود و از دارالملک تجاوز نمود به متنزهات اکریناس رسید موضعی دید که اگر رضوان بدانجا رسیدی مفارقت جنان گزیدی و انگشت حیرت گزیدی

زمین وی از سبزه پیروزه‌گون ز لاله برو پر نقطه‌های خون
 به هر گوشه‌ای چشمه‌ای چون گلاب تو گویی سرشکی است روشن نه آب
 هوا مشکبوی و زمین پر نگار گرازان ز هر گونه در وی شکار»
 (ابن بی‌بی: ۱۴۶)

«و خاک زمین از تفّ جمرات آتشین دل گرم و خوش مزاج شد، مرکبات طبایع از نشو و نما در اهتزاز آمدند و مرغان در مرغزارها به آواز،

کنون خورد باید می خوشگوار که می‌بوی مشک آید از جویبار
 همه بوستان زیر برگ گلست همه کوه پر لاله و سنبلست»
 (جوینی، ۱۳۸۵، جلد ۳: ۲۵)

۳. نتیجه‌گیری

از میان ۷ کتاب مطالعه‌شده در این پژوهش، از نظر تعداد استشهادات شعری به‌کاررفته در متون تاریخی، *تاریخ جهانگشای* جوینی با ۶۱۷ مورد و *تاریخ طبرستان* ابن‌اسفندیار با ۲۹۳ در جایگاه اول و دوم بیشترین بازتاب شعر قرار دارند و *نظام‌التواریخ* بیضاوی با ۱ مورد کمترین بسامد را دارد. از نظر تعداد ابیات اشعار *تاریخ طبرستان* با ۹۹۵ بیت، *تاریخ جهانگشا* با ۸۴۷ و *عقد‌العلی للموقف الاعلی* با ۵۲۸ بیت در رتبه اول تا سوم جای گرفته‌اند و یکی از دلایل اصلی بسامد بسیار بالای ابیات در این کتب تاریخی، استقبال نویسندگان از اشعار شعرای هم‌عصر خود گاهی به‌صورت درج تمام یک قصیده یا قطعه است. از نظر زبان شعر، به‌جز کتاب مختصر *سلجوقنامه* که همه اشعار مندرج در آن، به زبان فارسی است و نیز *نظام‌التواریخ* که تنها شعر به‌کاررفته در آن به زبان عربی است، نویسندگان سایر متون تاریخی مطالعه‌شده از هر دو نوع اشعار فارسی و عربی بهره برده‌اند. البته در بیشتر این کتاب‌ها، شاید به دلیل اصرار نویسندگان بر نمایش مراتب ادب‌شناسی و نوعی فضل‌فروشی رایج در میان مترسلان و دیوانیان که مؤلفان آثار مذکور عموماً از این طبقه بوده‌اند، شمار اشعار و ابیات عربی نسبت به اشعار و ابیات فارسی بیشتر است. در عین‌حال در برخی دیگر مانند *تاریخ افضل و طبقات ناصری* بازتاب تعداد اشعار فارسی تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای با تعداد اشعار عربی دارد.

همچنین بازتاب شعر در انواع تاریخ‌نگاری دودمانی و محلی بیشتر است به‌گونه‌ای که در *تاریخ جهانگشا* به عنوان تاریخ‌نگاری دودمانی و در *تاریخ طبرستان* به عنوان تاریخ‌نگاری محلی، مؤلفان به دلیل نقل اشعار از زبان شاعران و ادیبان در جهت مستند ساختن کلام خود از شعر بیشتر بهره جسته‌اند. در مقابل، مورخان آثار تاریخی از نوع تاریخ‌نگاری عمومی این دوره یعنی طبقات ناصری و *نظام‌التواریخ* به جهت وسعت و گستره کار خویش، در بیان تاریخ از حضرت آدم تا پیامبر اکرم(ص) و بعد از آن تا عصر خود، کمتر به استفاده از شعر روی آورده‌اند.

با توجه به این‌که در این پژوهش، کارکردهای شعر در نثر در چهار دسته تاریخی-روایی، آرایه‌ای-ادبی، استدلالی-استنادی و تفسیری-توضیحی بررسی شده است، در اینجا به

تجزیه و تحلیل این کارکردها پرداخته می‌شود: در حالی که به نظر می‌رسد کارکرد روایی-تاریخی شعر در متون تاریخی باید بیشترین بسامد را داشته باشد، ولی در هیچ کدام از کتب تاریخی مطالعه شده قرن هفتم چنین نیست و این کارکرد در ۵ مورد (*تاریخ افضل*، *عقدالعلی*، *تاریخ جهانگشا*، *مختصر سلجوقنامه* و *نظام‌التواریخ*) کمترین بازتاب را به خود اختصاص داده و در *تاریخ طبرستان* در رتبه سوم کارکرد و تنها در *طبقات ناصری* در رتبه دوم کارکرد شعر قرار گرفته است. کارکرد آرایه‌ای-ادبی در ۴ متن از متون تاریخی (*تاریخ جهانگشا*، *مختصر سلجوقنامه*، *طبقات ناصری* و *نظام‌التواریخ*) بالاترین بسامد را داراست که نویسندگان این آثار از این کارکرد برای افزایش ارزش‌های ادبی و زینت دادن به کلام خود، مدح و ستایش و رثای شاهان و خلفا و شخصیت‌های تاریخی و بیان تمثیل و تشبیه و معانی بدیعی بهره برده‌اند. کارکرد استدلالی-استنادی نیز در ۳ مورد از آثار تاریخی این دوره (*تاریخ طبرستان*، *تاریخ افضل* و *عقدالعلی*)، به دلیل معرفی و شرح حال مختصر شاعران مختلف در متون تاریخی توسط تاریخ‌نگاران و استشهاد به شعر ایشان و همچنین برای مستدل کردن موضوع سخن خود با شعر، پرکاربردترین کارکرد محسوب می‌شود. کارکرد تفسیری-توضیحی نیز در هیچ یک از این متون تاریخی بیشترین کارکرد را ندارد و در ۳ مورد (*مختصر سلجوقنامه*، *طبقات ناصری* و *نظام‌التواریخ*) کمترین کاربرد را داشته و در ۴ مورد (*تاریخ طبرستان*، *تاریخ افضل*، *عقدالعلی* و *تاریخ جهانگشا*) در رتبه سوم قرار دارد. جدول زیر معرفی و نوع تاریخ‌نگاری هر اثر، بسامد موارد استشهاد، تعداد ابیات به کاررفته، تفکیک تعداد ابیات فارسی و عربی و نهایتاً انواع کارکردهای شعر را در متون تاریخی فارسی قرن هفتم نشان می‌دهد.

بازتاب اشعار در متون تاریخی فارسی قرن هفتم												
ردیف	نام کتاب	قرن	اقسام تاریخ‌نگاری	مؤلف	موارد استشهاد	تعداد ابیات	فارسی	عربی	انواع کارکردهای شعر			
									تاریخی-روایی	آرایه‌ای-ادبی	استدلالی-استنادی	تفسیری-توضیحی
۱	تاریخ طبرستان صفحه ۵۰۶	هفتم	محلی	محمد بن حسن ابن اسفندیار	۲۹۳	۹۹۵	۷۰	۲۱۵	۱۸	۷۰	۱۸۹	۸
۲	تاریخ افضل صفحه ۱۰۹		محلی	افضل‌الدین کرمانی	۸۲	۱۷۳	۷۲	۱۰	۲	۲۲	۴۵	۱۳
۳	عقد‌العلی للموقف‌الاعلی صفحه ۱۶۶		محلی- دودمانی	افضل‌الدین کرمانی	۱۷۵	۵۲۸	۸۶	۸۹	۷	۳۸	۹۵	۳۵
۴	تاریخ جهانگشا صفحه ۱۰۸		دودمانی	عظامک جوینی	۶۱۷	۸۴۷	۲۵۲	۳۶۵	۹۷	۲۲۰	۱۶۱	۱۳۹
۵	مختصر سلجوقنامه صفحه ۳۳۷		دودمانی	یحیی بن محمد ابن‌بی‌بی	۳۶	۱۱۲	۳۶	-	۵	۱۶	۸	۷
۶	طبقات ناصری صفحه ۷۱۱		عمومی	عثمان بن محمد منه‌اج سراج	۴۴	۱۹۹	۳۹	۵	۱۰	۳۱	۲	۱
۷	نظام‌التواریخ صفحه ۱۳۳		عمومی	عبدالله بن عمر بیضاوی	۱	۳	-	۱	-	۱	-	-

منابع

کتابها

- ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۶۶)، *تاریخ طبرستان*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: پدیده خاور.
- ابن بی‌بی، یحیی بن محمد (۱۹۰۲)، *مختصر سلجوقنامه*، به اهتمام م. ه. هوتسما، چاپ لیدن.
- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد احمد بن حامد (۱۳۱۱)، *عقد‌العلی للموقف الاعلی*، تصحیح و اهتمام علی محمد عامری نائینی، تهران: روزبهان.
- _____ (۱۳۲۶)، *تاریخ افضل*، تصحیح مهدی بیانی، تهران: دانشگاه تهران.
- بهار، محمدتقی (۱۳۹۱)، *سیک‌شناسی*، سه جلد، چاپ یازدهم، تهران: زوار.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۳۸۲)، *نظام‌التواریخ*، تصحیح هاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ترکمنی‌آذر، پروین (۱۳۹۲)، *طرح تاریخ‌نگاری در ایران (از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جوینی، عطاملک بن محمد (۱۳۸۵)، *تاریخ جهانگشای*، تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۶۵)، *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد. انتشارات آستان قدس رضوی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱)، *تاریخ در ترازو*، تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۳)، *گنجینه سخن*، تهران: فردوس.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۶)، *تاریخ نویسی در ایران (از ابوعلی بلعمی تا میرزا آقاخان کرمانی)*، تهران: سمت.

- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۰)، *اخبار سلاجقه روم*، به انضمام مختصر سلجوقنامه ابن بی‌بی، تهران: کتابفروشی تهران.
- منہاج سراج، عثمان بن محمد (۱۳۶۳)، *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- ناجی و دیگران، محمدرضا (۱۳۸۹)، *تاریخ و تاریخ‌نگاری*، تهران: نشر کتاب مرجع.

مقاله‌ها

- آفرضایی، سعید، «تاریخ‌نگاری افضل کرمانی در کتاب عقدا لعلی للموقف الاعلی»، *مجله تاریخ نو*، ۱۳۹۵، شماره ۱۷، صص ۲۹-۴۲.
- بازورث، کلیفورد ادموند، «شواهد شعری تاریخ مسعودی»، ترجمه احمد سمیعی گیلانی، *مجله نامه فرهنگستان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳، شماره ۲۵، صص ۱۵۸-۱۸۰.
- تجلیل، جلیل، «بررسی و نقدی بر تاریخ طبرستان»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ۱۳۴۹، شماره ۹۴، صص ۱۶۴-۱۸۵.
- دهقانیان، جواد و همکاران، «کارکردهای لفظی و معنوی شعر در حکایت‌های هزارویک شب»، *مجله تاریخ ادبیات*، ۱۳۹۱، شماره ۶۹، صص ۳۱-۵۴.
- علوی‌زاده، فرزانه. ساکت، سلمان. رادمرد، عبدالله، «نقش ابیات شاهنامه در انسجام متنی تاریخ جهانگشا»، *مجله علمی-پژوهشی جستارهای ادبی*، ۱۳۹۰، شماره ۱۷۱، صص ۶۷-۱۰۸.
- کشاورز بیضایی، محمد، «تحلیلی بر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری قاضی بیضاوی»، *مجله پژوهش‌های ایران‌شناسی*، ۱۳۹۸، شماره ۱، صص ۱۵۷-۱۷۲.
- مسبوق، سیدمهدی. دلشاد، شهرام، «بررسی تطبیقی کارکردهای شعر در تاریخ بیهقی و تاریخ فخری»، *مجله شعرپژوهی بوستان ادب*، ۱۳۹۷، شماره ۳۵، صص ۱۷۵-۱۹۲.
- نجمیان، امیرعلی، «تاریخ، زبان، روایت»، *مجله پژوهش‌نامه علوم انسانی*، ۱۳۸۵، شماره ۵۲، صص ۳۰۵-۳۱۸.